

معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه پارلمانی

زهره احمدی پور (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

ahmadyz@modares.ac.ir

محمدرضا حافظ‌نیا (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

hafezn_m@modares.ac.ir

جواد اطاعت (دانشیار علوم سیاسی، علوم و اندیشه سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

j_etaat@sbu.ac.ir

قاسم کرمی (دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

karamigh@gmail.com

چکیده

انتخابات فراخوان ایجاد تغییر در ساخت دولت و تغییر نمایندگان است. از نظر فلسفی، چنانچه طول عمر حکومت کنندگان در ساختار سیاسی ماندگار باشد، ایجاد فساد می‌کند. انتخابات ساز و کار این تغییر و تحول است تا کرسی مدیریت عمومی شهروندان با اندیشه‌های جدید و مقبول آنان تغییر کند و مدیرانی جدید جایگزین مدیران کنونی گردند و از آنجا که در سرتاسر جهان، انتخابات در چارچوب حوزه‌های انتخابیه برگزار می‌شود، ترسیم و تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه تأثیر مهمی بر ماهیت مجلس و نمایندگی خواهد داشت. لذا موضوع معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه در جغرافیای انتخابات یکی از مباحث مهم در رشته جغرافیای سیاسی می‌باشد. حوزه‌های انتخابیه تقسیمات اداری فضا می‌باشند که توسط نمایندگان مردمی که در قلمروهای محدوده‌های کشورهای دموکراتیک زندگی می‌کنند برای مقاصد انتخاباتی طراحی شده‌اند. طراحی حوزه‌های انتخابیه باید با توجه به معیارها، اصول و روش‌های علمی و منصفانه باشد و در راستای تکامل و به‌کرد حکمرانی دموکراتیک انجام شود. در غیر این صورت، قصور در این امر می‌تواند به پیدایش وضعیت مرزبندی جانبدارانه و سهمیه‌بندی ناعادلانه بینجامد. این مقاله با رویکر توصیفی - تحلیلی معیارهایی را که کشورهای جهان در تعیین حوزه‌های انتخابیه خود به کار می‌برند بررسی نموده است. هدف اصلی این مقاله تبیین این مطلب می‌باشد که آیا کشورها معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه یکسانی دارند و بطور کلی در کشورها معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه چگونه می‌باشد. نتیجه مقاله حاکی از این است که کشورها براساس قانون اساسی و قوانین انتخاباتی خود اقدام به تعیین معیارهای حوزه‌های انتخابیه می‌نمایند که با یکدیگر تفاوت دارند و این تحقیق نشان می‌دهد که در موارد مورد مطالعه برخی معیارهای مشترک وجود دارد و کشورها به فراخور شرایط سیاسی، اجتماعی و طبیعی خود معیارهای خاص خود را در تعیین حوزه‌های انتخابیه دارند.

واژه‌های کلیدی: انتخابات، جغرافیای انتخابات، حوزه‌های انتخابیه، معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه

مقدمه

اهمیت روزافزون انتخابات در سطح جهانی، ملی و حتی ناحیه‌ای سبب شده است که اندیشمندان علوم مرتبط با این موضوع سعی در شناخت دقیق‌تر ابعاد آن جهت نقش‌آفرینی در امر تصمیم‌سازی‌ها باشند. در میان رشته‌های علوم

انسانی، علم جغرافیا بویژه جغرافیای سیاسی توانایی‌های زیادی در شناخت نابرابری‌های ناحیه‌ای دارد. تولد گرایش‌های نو در جغرافیای سیاسی همچون جغرافیای انتخابات گواهی جهت مطالعه دقیق‌تر فضای سیاسی و پدیده انتخابات در سطوح ملی، ناحیه‌ای و کشف ارتباط رفتارهای انتخاباتی، الگوهای رأی‌دهی و جغرافیای سیاسی احزاب با محیط جغرافیایی است (Hamza, 2007:35).

حوزه انتخابیه در قالب جغرافیای نمایندگی به مثابه جغرافیایی‌ترین بخش جغرافیای انتخابات به شمار می‌رود، زیرا انتخابات پارلمانی کشورها بر پایه محدوده‌ها و حوزه‌های انتخابیه که براساس معیارهای جغرافیایی همچون مکان، جمعیت، و داده‌های فرهنگی - سیاسی تعیین حدود شده‌اند، برگزار می‌شود. شمار حوزه‌ها و ترسیم مرز آن‌ها تأثیری قطعی و مستقیم بر ترکیب و کارکرد احزاب و جریان‌ها در پارلمان خواهد داشت. تعیین حوزه‌های انتخابیه به شکلی ناعادلانه و جانبدارانه کل انتخابات را زیر سوال خواهد برد. به همین دلیل تعیین حوزه‌های انتخابیه از جمله موضوعات منازعه برانگیز در عرصه سیاست می‌باشد.

تقسیم کشور به حوزه‌های انتخابیه بصورت عادلانه موجب می‌شود که بین رأی‌دهندگان و انتخاب شونده‌گان (نامزدهای انتخابات)، نزدیکی بیشتری احساس شود و هر شهروند بهتر بتواند از ابعاد فکری و روش سیاسی و شخصیت نامزد به سهولت اطلاعاتی کسب کند و دیگر این‌که پس از انتخاب نماینده نیز، رفتار سیاسی او توسط مردم به نحو مطلوب‌تری قابل بازبینی و کنترل است. از سوی دیگر با شیوه حوزه‌بندی، بهتر می‌توان به ارزشیابی و تخمین نسبتاً دقیق رأی-دهندگان در هر حوزه دست یافت و با دقت بیشتری قبل از رأی‌گیری، فهرست جامعی از کسانی که طبق قانون حق رأی دارند تهیه کرد و بدین وسیله از جابجائی بی‌رویه رأی‌دهندگان و برخی از تقلبات انتخاباتی جلوگیری نمود (Ghazi, 1993:711).

لازمه و پیش زمینه برگزاری انتخابات، ناحیه‌بندی کشور به حوزه‌های انتخابیه است. هر حوزه انتخابیه نوعی واحد اداری کامل یا ترکیبی از بخش‌های به هم پیوسته از این واحدها در سطوح کلان ملی و محلی است (Kaviani, 2007:490). برابری قدرت رأی از اصول اولیه انتخابات عادلانه و حقوق انتخاباتی شهروندان یک کشور محسوب می‌گردد که باید در اختصاص کرسی‌های نمایندگی و تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخابیه لحاظ گردد. به همین دلیل، حوزه‌بندی انتخاباتی و توزیع کرسی نمایندگی از مراحل بسیار مهم اجرای انتخابات شمرده می‌شود و این اهمیت با توجه به تأثیر حوزه‌بندی بر نتیجه انتخابات بیش‌تر آشکار می‌گردد. حوزه انتخابیه، عبارت است از محدوده جغرافیایی شناخته شده قانونی با مرزهای مشخص و تعداد معینی نماینده که به آن تعلق می‌گیرد. این حوزه‌ها، اجزای قلمرو انتخابات کشور را شکل می‌دهد. حوزه‌های انتخابیه مطلوب آن است که با ویژگی‌های جغرافیایی، پذیرش عمومی، قوانین انتخاباتی، قوانین گذشته و قانون اساسی کشور هماهنگ باشد. پیچیدگی امور مربوط به تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه، به تنوع معیارهای آن بستگی دارد (horn, 1999, 941-943). در کشورها برای این که حوزه‌بندی انتخاباتی بصورت عادلانه انجام و از تخلفات انتخاباتی (مرزبندی جانبدارانه و سهمیه‌بندی ناعادلانه) مبرا باشد اقدام به تعیین شاخص‌ها یا معیارهای مشخصی برای تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه می‌نمایند. این معیارها همانطور که گفته شد معمولاً در قانون انتخابات ذکر می‌شود. با این حال این معیارها در برخی از کشورها در قانون اساسی نیز آمده‌اند. این معیارها براساس مولفه‌های قانونی، سیاسی، جغرافیایی و اجتماعی تقسیم‌بندی شده و کشورها براساس این مولفه‌های ۴

گانه معیارهایی برای ایجاد حوزه‌های انتخابیه تعیین می‌کنند که برخی از این معیارها در بین کشورها مشترک و برخی از آنها نیز با توجه به شرایط خاص هر کشوری مختص همان کشور می‌باشد. تعیین معیارهای مناسب یک ضرورت برای ۱- ایجاد حوزه‌های انتخابیه به جهت داشتن پارلمانی که بتواند آئینه تمام نمای تمایلات سیاسی یک اجتماع، ۲- نشان دهنده برابری قدرت رأی افراد، ۳- مدیریت بهتر برگزاری انتخابات، ۴- نمایندگی منصفانه و موثر و ۵- از بین بردن تبعیض‌های انتخاباتی می‌باشد. بنابراین بررسی معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه پارلمانی یک از موضوعات مهم در جغرافیای انتخابات بوده و در این مقاله سعی شده تا معیارهایی که کشورها جهت ایجاد حوزه انتخابیه تعیین می‌کنند بررسی و با توجه به اهمیت‌اشان تبیین گردند.

روش تحقیق

این تحقیق از حیث ماهیت و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی محسوب می‌گردد. اطلاعات مورد نیاز تحقیق بصورت اسنادی و با مراجعه به منابع مهم در زمینه موضوع تحقیق گردآوری شده است. در فرآیند جمع آوری اطلاعات به منابع تاریخی و آخرین مقالات و نوشته‌های اندیشمندان متخصص در جغرافیا، انتخابات، حقوق و علوم سیاسی مراجعه شده است. در بخش توصیفی تحقیق اطلاعات گردآوری شده ارائه و در بخش تحلیلی آن با استفاده از روش تحلیل محتوی و استفاده از روش استلال و تحلیل عقلانی به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود. از نظر هدف این تحقیق را می‌توان تحقیق بنیادی نظری دانست که در آن اطلاعات اولیه تحقیق به روش کتابخانه‌ای جمع آوری و سپس مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار می‌گیرد. در این مقاله هدف اصلی تحقیق تبیین معیارهای تعیین حوزه انتخابیه در کشورها می‌باشد.

تعریف مفاهیم

جغرافیای انتخابات

تاکنون از جغرافیای انتخابات تعاریف کمابیش مختلفی به عمل آمده است اما به نظر می‌رسد که تعریف علمی جغرافیای انتخابات در چارچوب مفهومی ترکیبی، تبیین‌پذیر است. این گرایش به عنوان زیر مجموعه دانش جغرافیای سیاسی ((به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد)) (Hafezenia, Kaviani Rad, 2014: 264).

جدول شماره (۱) تعاریف جغرافیای انتخابات

ردیف	تعریف	مفهوم پایه	نویسنده	سال
۱	جغرافیای انتخابات، مطالعه ابعاد جغرافیایی سازماندهی، مدیریت و نتایج انتخابات است.	مطالعه ابعاد جغرافیایی سازماندهی، مدیریت و نتایج انتخابات	جانستون	۱۹۸۹
۲	جغرافیای انتخابات در جایگاه دیرپاترین رشته جغرافیای سیاسی به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایندهای انتخاباتی می‌پردازد و در عین حال با انتخابات‌شناسی و علوم سیاسی نیز در پیوند است	تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایندهای انتخاباتی	پتی	۲۰۰۶
۳	جغرافیای انتخابات زیر مجموعه جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری برای انتخاب مختلف محلی، ناحیه‌ای و ملی متمرکز است. مرز این محدوده‌ها بر ترکیب و کارکرد نهاد سیاسی و حکومت تأثیر زیادی دارد.	بر محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان متمرکز است	هورن	۱۹۹۹

۲۰۰۴	فرهنگ آکسفورد	تحلیل جغرافیایی انتخابات	جغرافیای انتخابات، تحلیل جغرافیایی انتخابات است که در قلمرو آن، اموری همچون الگوی فضایی رأی‌گیری و قدرت، بر عوامل جامعه-شناختی و محلی بر رفتار رأی‌گیری، اثرات رأی‌گیری بر محیط و ترسیم حوزه‌های انتخابیه مورد مطالعه قرار می‌گیرند.	۴
۲۰۰۹	دبیچی - مولر	مطالعه ابعاد جغرافیایی انتخابات	جغرافیای انتخابات را مطالعه ابعاد جغرافیایی انتخابات می‌داند که محدوده مطالعاتی آن شامل سازمان‌یابی پیکارهای انتخاباتی، مدیریت انتخابات و نتایج انتخابات است	۵
۱۳۸۱	مجتهدزاده	انتقال اراده ملت به احزاب و بازیگران سیاسی	بطور کلی انتقال اراده ملت به احزاب و بازیگران سیاسی جهت ایجاد تغییرات بهینه در محیط جغرافیایی سرزمین و ارتقاء سطح پیشرفت و توسعه آن از اصول کلی جغرافیای انتخابات می‌باشد که در آموزه‌های دمکراتیک تجلی می‌یابد.	۶
۱۳۸۶	نیلور و جانسون	بررسی رفتارهای انتخاباتی شهروندان	از حیث کارکردی جغرافیای انتخابات به بررسی رفتارهای انتخاباتی شهروندان و توزیع جغرافیایی آراء و نسبت آن با طبقات اقتصادی و اجتماعی رأی‌دهندگان و تاثیر عوامل طبیعی در نوع و توزیع آراء می‌پردازد	۷
۱۳۹۱	لاکوست	بر تعامل فضا، مکان و فرآیندهای انتخاباتی تمرکز دارد	جغرافیای انتخابات حوزه فرعی از جغرافیای سیاسی است که بر تعامل فضا، مکان و فرآیندهای انتخاباتی تمرکز دارد. این شاخه از جغرافیای سیاسی به بررسی تاثیر زمینه‌های جغرافیایی در تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان، استراتژی‌های رأی‌دهندگان، احزاب و گروه‌ها در بهره‌برداری از سیستم‌های انتخاباتی و رابط میان جغرافیای انسانی تصمیم‌گیری‌های سیاسی شهروندان می‌پردازد.	۸
۱۳۷۹	مویر	جغرافیایی انتخابات، همه پرس‌ها،	جغرافیای انتخاباتی به جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه پرس‌ها، سازمان‌دهی آنها و به ویژه نتایج آنها می‌پردازد.	۹
۱۳۸۷	کاویانی راد و ویسی	واکاوی تعامل فضا، مکان و فرآیندهای انتخاباتی	جغرافیای انتخابات به واکاوی تعامل فضا، مکان و فرآیندهای انتخاباتی می‌پردازد و شالوده و درون مایه جغرافیای انتخابات بر مفاهیمی چون دموکراسی، مشارکت سیاسی، انتخابات، تصمیم‌گیری، حوزه‌های انتخابیه و ... استوار است.	۱۰
۱۳۸۷	حمزه و همکار	مطالعه فضای سیاسی و پدیده انتخابات	تولد گرایش‌های نو در جغرافیای سیاسی همچون جغرافیای انتخابات گواهی جهت مطالعه دقیق‌تر فضای سیاسی و پدیده انتخابات در سطوح ملی، ناحیه‌ای و کشف ارتباط رفتارهای انتخاباتی، الگوهای رأی‌دهی و جغرافیای سیاسی احزاب با محیط جغرافیایی است.	۱۱
۱۳۸۶	کاویانی راد	مطالعه و واکاوی اثرگذاری‌ها تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی	اگر جغرافیای سیاسی را مطالعه تمایزات جغرافیایی مرتبط با روندهای سیاسی نواحی بدانیم، جغرافیای انتخابات، به عنوان زیر مجموعه این دانش، به مطالعه و واکاوی اثرگذاری‌ها تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی می‌پردازد. هرچند برخی نیز جغرافیای انتخابات را صرفاً مطالعه تنوع تصمیمات و نتایج آراء رأی‌دهندگان نواحی مختلف دانسته‌اند.	۱۲
۱۳۸۳	حافظ نیا و کاویانی راد	تاکید محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان	جغرافیای انتخابات یکی از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای متمرکز شده است.	۱۳

۱۳۸۳	حافظ نیا و کاویانی راد	مطالعه جنبه های جغرافیایی سازماندهی , کارکرد و نتایج انتخابات	جغرافیای انتخابات به مطالعه جنبه های جغرافیایی سازماندهی، کارکرد و نتایج انتخابات می پردازد	۱۴
۱۳۹۳	حافظ نیا و کاویانی راد	بررسی الگوهای رفتار سیاسی شهروندان	جغرافیای انتخابات، رویکردی جغرافیایی به مقوله دموکراسی و انتخابات است که در آن الگوهای رفتار سیاسی شهروندان که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آنها از ساختارهای حاکم است به صورت نقشه در می آید و بررسی می شود.	۱۵

انتخابات

انتخابات فراخوان ایجاد تغییر در ساخت دولت و تغییر نمایندگان است. از نظر فلسفی، چنانچه طول عمر حکومت کنندگان در ساختار سیاسی ماندگار باشد، ایجاد فساد می کند. انتخابات ساز و کار این تغییر و تحول است تا کرسی مدیریت عمومی شهروندان با اندیشه های جدید و مقبول آنان تغییر کند و مدیرانی متخصص جایگزین مدیران کنونی گردند. انتخابات در صورتی نماینده گزینی حقیقی از سوی شهروندان است که نتایج آن تضمین کننده اقتدار عمومی باشد. به سخن دیگر، انتخابات باید معنادار باشد. روشن ترین راه تشخیص بار معنایی در نتیجه انتخابات، ایجاد تعهد برای انتخاب شدگان و نمایندگان انتخاب کنندگان است. انتخاب شوندگان می توانند قدرت حکومت را بکار برند. قدرت حکومت توانایی اتخاذ تصمیمات رسمی و قانونی برای شهروندان را فراهم می آورد که الزام آور می باشد). (Heywood, 2004: 182-184) این قدرت تمرکز یافته در نهادهای حکومت، قدرت حاکم بوده و حق صدور اوامر و نواهی را دارد (Madany, 1995: 133).

انتخابات اهداف مشترکی را در این جوامع دنبال می کند؛ که عبارتند از: ۱) انسجام اجتماعی (۲) مشروعیت بخشیدن به سازمان یا حکومت (۳) تحرک شهروندان از حاشیه به میدان های فعالیت سیاسی (۴) کنترل رفتار حکمرانان (۵) جایگزینی حکمرانان (۶) تثبیت و تایید نظام ملی (۷) شکل گیری نظام های حزبی انتخابات: یکی از سطوح مشارکت سیاسی است که بیانگر انتظارات و گرایشات اکثریت مردم در موارد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می باشد (Eman, 2008: 487).

انتخابات پدیده ای اجتماعی و فرهنگی است که در نهایت برونداد سیاسی دارد. بی تردید آنچه از صندوق های رأی بیرون می آید، برآیند عقل جمعی یک جامعه است و می تواند شاخص تحلیل های متعدد قرار گیرد. (Darabi, 2009: 10). در تعریف دیگری از انتخابات گفته شده است ((انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین نابرابری برای مهارت قدرت تدبیر شده است.)) از این منظر، انتخابات ابزاری است که بوسیله آن می توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدی اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد (Ghazi, 1993). به طور کلی، انتخابات به جریان رسمی انتخاب و گزینش اشخاص برای کسب و احراز مقام یا منصب وموقعیتی در جامعه از طریق مراجعه به آرای عمومی اطلاق می شود. تعداد و نوع انتخابات در جوامع گوناگون متفاوت است.

انتخابات مجموعه عملیاتی است که در راستای گزینش فرمانروایان و نیز ابزاری است که به کمک آن اراده شهروندان در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان عامل اقتدار سیاسی لحاظ خواهد شد (Abollhamd,1989:404).

حوزه انتخابیه^۱

حوزه انتخابیه در قالب جغرافیای نمایندگی به مثابه جغرافیایی‌ترین بخش جغرافیای انتخابات به شمار می‌رود زیرا انتخابات پارلمانی کشورها بر پایه محدوده‌ها و حوزه‌های انتخابیه که بر اساس معیارهای جغرافیایی همچون مکان، جمعیت و داده‌های فرهنگی - سیاسی تعیین حدود شده‌اند، برگزار می‌شود. شمار حوزه‌ها و ترسیم مرز آن‌ها، تاثیر قطعی و مستقیم بر ترکیب و کارکرد احزاب و جریان‌ها در پارلمان خواهد داشت (Horn , 1999 : 940).

لازمه و پیش زمینه برگزاری انتخابات، ناحیه‌بندی کشور به حوزه‌های انتخابیه است. عموماً از عامل جمعیت به عنوان معیار ایجاد حوزه‌های انتخابیه استفاده می‌شود. هر حوزه انتخابیه نوعی واحد اداری کامل یا ترکیبی از بخش‌های به هم پیوسته از این واحدها در سطوح کلان ملی و محلی است (Kaviani Rad,2007:490). برابری قدرت رأی از اصول اولیه انتخابات عادلانه و حقوق انتخاباتی شهروندان یک کشور محسوب می‌گردد که باید در اختصاص کرسی‌های نمایندگی و تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخابیه لحاظ گردد. به همین دلیل، حوزه‌بندی انتخاباتی و توزیع کرسی نمایندگی از مراحل بسیار مهم اجرای انتخابات شمرده می‌شود و این اهمیت با توجه به تأثیر حوزه‌بندی بر نتیجه انتخابات بیش‌تر آشکار می‌گردد. عملیاتی‌کردن انتخابات و تعیین نمایندگان مردم، نیازمند تقسیم کشور به حوزه‌های انتخابیه است.

در زبان انگلیسی معادل‌های گوناگونی در برابر حوزه‌انتخابیه وجود دارد که از آن میان می‌توان به , Ward , Electoral Area , Division , Electoral District, Constituency, Electorate و Electorate اشاره کرد. در کشور استرالیا اغلب از واژه Electorate و گاه نیز از واژه seats (لفظاً به معنی کرسی‌ها) برای اشاره به حوزه‌های انتخابیه استفاده می‌شود. در ایالات متحده نیز واژه division و district متداول است (مانند congressional districts). در بریتانیا برای انتخابات پارلمان از واژه Division و Seats و برای انتخابات غیر پارلمان از واژه Ward استفاده می‌شود. با این حال در ادبیات رسمی و دانشگاهی به ویژه در گستره جغرافیای انتخابات وازگان Electorate ، Constituency و Delimitation (به معنای حوزه‌بندی) مرسوم است. همچنین در زبان آلمانی و دیگر زیر شاخه‌های زبان آلمانی به جز انگلیسی از واژه Wahlkreise برای حوزه‌انتخابیه استفاده می‌شود. در فرانسه نیز واژه Circonscriptions معادل حوزه‌انتخابیه است (Kaviani Rad,2017:91) در کشور کانادا اصطلاح Ridings برای اشاره به حوزه‌های انتخابیه کاربرد دارد. در نیوزیلند دو واژه Electoral District و Electorate به معنای حوزه انتخابیه به کار می‌روند.

مفهوم و ضرورت تقسیم حوزه‌های انتخابیه بدین معنا است که مناطق جغرافیایی خاص برش داده شده و مرزبندی می‌شود، تا مردم به آسانی بتوانند به تعداد محدودی از نامزدهای انتخاباتی منطقه خود رأی دهند. به عبارت دیگر، به مرزبندی مناطق جغرافیایی جهت سهولت در برگزاری انتخابات، حوزه‌بندی انتخاباتی می‌گویند. این عمل صرفاً در مورد

^۱ Constituency.

نامزدهای نمایندگی مجلس، شوراها و امثال آن یا موضوعی که در سطح محلی مطرح می‌باشد، انجام می‌گیرد. در انتخابات ریاست جمهوری یا همه‌پرسی‌ها کل کشور حوزه واحدی در نظر گرفته می‌شود و رأی‌دهندگان به موضوع یا نامزدهایی که در سطح ملی مطرح هستند، رأی می‌دهند. ضرورت حوزه‌بندی از آنجا ناشی می‌شود که در کشورهای بزرگ و پر جمعیت نمی‌توان همه کشور را در انتخابات پارلمانی، شوراها و امثال آن به صورت حوزه واحد در نظر گرفت. زیرا در کشورهای بزرگ امکان این‌که کل رأی‌دهندگان به همه نمایندگان رأی دهند، وجود ندارد. از طرفی هر رأی‌دهنده باید از خصوصیات اخلاقی و سیاسی نامزدهای انتخاباتی اطلاعات لازم را داشته باشد و با علم و اطلاع کافی رأی دهد که این کار بدون حوزه‌بندی امکان‌پذیر نیست، زیرا تعداد داوطلبان نمایندگی در سطح کشور آن قدر زیاد هست که شناخت آن‌ها برای مردم امری دشوار و دست‌نیافتنی است. وانگهی تقسیم کشور به حوزه‌های انتخابیه باعث می‌شود که بین رأی‌دهندگان و انتخاب‌شوندگان، امکان برقراری رابطه از راه نزدیک و چهره به چهره فراهم گردد. در مقابل، نمایندگان نیز می‌توانند از مشکلات و مسایل حوزه‌انتخابیه خود از نزدیک به آسانی اطلاع یابند و راه‌کارهایی را برای حل آن‌ها در چارچوب اختیارات خود ارائه کنند. تمامی این هدف‌ها در صورتی قابل دسترسی است که حوزه‌بندی صورت گیرد و انجام حوزه‌بندی و تعیین حوزه‌های انتخابیه بصورت عادلانه منوط به داشتن معیارهای مناسب می‌باشد.

معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه

در برخی کشورها، قوانین انتخاباتی تعیین می‌کند که جغرافیا، یا مولفه‌های جغرافیایی معین، هنگام تعیین خطوط حوزه‌های انتخابیه در نظر گرفته شوند. مولفه‌های جغرافیایی می‌توانند به دو دسته تقسیم شوند - معیارهای مربوط به مرزهای جغرافیایی و معیارهای مربوط به اندازه و یا شکل جغرافیایی - ممکن است نهاد مسئول تعیین حوزه انتخابیه درخواست بررسی مولفه‌هایی از یک یا هر دو گروه معیارها را داشته باشند. تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه باید با توجه به اصول، مبانی و روش‌های علمی و منصفانه و در راستای برگزاری انتخابات دموکراتیک انجام شود. در غیر این صورت، امکان پیدایش وضعیت مرزبندی جانبدارانه و سهمیه‌بندی ناعادلانه وجود دارد.

کشورها معمولاً مجموعه‌ای از قوانین رسمی، یا معیارها را، برای نهادهای مسئول تعیین حوزه‌های برای ترسیم حوزه‌های انتخابیه تعیین می‌کنند. اگرچه این به خصوص در کشورهایی حقیقت دارد که کمیسیون‌های مربوطه یا کمیسیون انتخابات را برای تعیین و ترسیم حوزه‌ها به کار می‌گیرند، برخی کشورها معیارهایی تعیین کرده‌اند که قوه مقننه یا نهادهای دولتی را مجاز به تعیین حوزه‌های انتخابیه نموده‌اند. این معیارها معمولاً در قانون انتخابات آمده‌اند، اما آنها گاهی اوقات می‌توانند در قانون اساسی کشور هم پیدا بشوند (Kaviani Rad, 2017: 101)

معمولاً معیارهای زیر در قوانین ذکر می‌شوند: ۱- حوزه‌ها می‌بایست تا حد امکان از نظر تعداد جمعیت برابر باشند، ۲- مرزهای اداری یا طبیعی و ۳- ویژگی‌های جغرافیایی مانند پراکندگی جمعیت یا قلمرو مجزا معیارهایی هستند که معمولاً ذکر می‌شوند، ۴- احترام به جوامع هم منفعت معیار دیگری است که بیشتر کشورها تعیین کرده‌اند. در برخی کشورها، به خصوص کشورهای توسعه یافته، کسانی که حوزه‌بندی مجدد را انجام می‌دهند ۵- سیستم حمل و نقل و ارتباطات را نیز بررسی می‌کنند (www.aceproject.org 2013: 38).

۱- جمعیت برابر حوزه های انتخابیه، ۲- مولفه های جغرافیایی و ۳- جوامع هم منفعت معیارهایی هستند که مستقیماً به فرآیند ایجاد و تعیین حوزه های انتخابیه مربوط می باشند. از دیگر معیارهای مربوط به فرآیند تعیین حوزه های انتخابیه - برای مثال، نیاز به این که طرح حوزه ها چنان ترسیم شود که احزاب سیاسی یا اقلیت های قومی، نژادی، مذهبی و زبانی دارای یک شانس نسبتاً عادلانه نمایندگی باشند را می توان نام برد. اما کشورهایی که حوزه انتخابیه تعیین می کنند معمولاً معیارهای مربوط به نتیجه (عادلانه) را به کار نمی گیرند. این بدان خاطر است که اگر عادلانه بودن و درستی نتیجه انتخابات بر حسب نمایندگی تناسبی یا تقریباً تناسبی برای احزاب سیاسی و گروه های اقلیت تعریف شود، کشورهایی که دارای حوزه های تک نماینده ای هستند به ندرت می توانند این استانداردها را برآورده سازند (Sadoughi, 2006: 66).

جدول شماره (۲) معیارهای مورد استفاده برای تعیین و ترسیم مرزهای حوزه های انتخابیه پارلمانی در برخی کشورها

کشور	معیارهای مورد نظر ترسیم مرزهای حوزه های انتخابیه	کشور	معیارهای مورد نظر ترسیم مرزهای حوزه های انتخابیه
۱- آلبانی	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - ایجاد حوزه های انتخابیه جمع- و جور و دارای انسجام جغرافیایی، - احترام به مرزهای اداری و سرزمینی موجود	۹- کامرون	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - توجه به عوامل جغرافیایی، - احترام به مرزهای اداری محلی، - راحتی ارتباط در حوزه های انتخابیه
۲- ارمنستان	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - ایجاد حوزه های انتخابیه جمع و جور و دارای- و جور و دارای انسجام جغرافیایی، - راحتی ارتباط بین حوزه ها، - راحتی حمل و نقل بین حوزه ها	۱۰- بلاروس	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - ایجاد حوزه های انتخابیه جمع و جور و دارای- انسجام جغرافیایی
۳- استرالیا	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - ایجاد حوزه های انتخابیه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و منطقه ای یکدست، - راحتی ارتباط و حمل و نقل بین حوزه ها، - ویژگی های فیزیکی و منطقه ای حوزه ها، - رعایت مرزهای حوزه های انتخابیه فعلی - رعایت منافع گروه ها و جوامع محلی - رعایت تقسیم بندی های موجود اداری و سیاسی - حوزه انتخابیه باید جمع و جور باشد. - امکانات و وسایل ارتباطی و حمل و نقل در هر یک از حوزه های انتخابیه	۱۱- کانادا	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - احترام به مرزهای طبیعی، - احترام به مرزهای اداری محلی، - ایجاد حوزه های انتخابیه یکدست - توجه به منافع گروه های محلی - امکانات ارتباطی منطقه - میزان دسترسی به منطقه - محدوده شهرداری ها - نرخ رشد نسبی جمعیت
۴- بنگلادش	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - ایجاد حوزه های انتخابیه جمع و جور	۱۲- جمهوری	- برابری جمعیت حوزه های انتخابیه، - اندازه جغرافیایی حوزه های انتخابیه

	چک	ودارای انسجام جغرافیایی، -احترام به مرزهای اداری موجود	
۵-ژاپن	۱۳- فیجی	-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به موانع طبیعی موجود، - ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست، -جمع و جور بودن حوزه های انتخابیه -جمعیت هر حوزه انتخابیه بایستی بین دو سوم تا چهارسوم میانگین جمعیت به ازای هر نماینده مجلس نمایندگان باشد. -مرزهای حکومت محلی (مرزهای شهرها، شهرک‌ها ، روستاها و نواحی) نباید تقسیم شود. -شرایط طبیعی و اجتماعی حوزه‌های انتخابیه بایستی در نظر قرار گیرد. -همه قلمروهای یک حوزه انتخابیه باید به هم وصل باشد.	
۶-بلژیک	۱۴- فنلاند	-در قانون معیارمشخصی تعیین نشده است(تعداد کرسی‌های اختصاص یافته بر اساس جمعیت آنها مشخص می‌شود).	
۷- بلغارستان	۱۵- مقدونیه	-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به مرزهای اداری محلی	
۸-آلمان	۱۶- مجارستان	-برابری جمعیت حوزه‌ها، - هر حوزه انتخابیه باید یک ناحیه پیوسته و یکپارچه باشد -تعیین مرزهای حوزه‌های انتخابیه در تطابق با مرزهای تقسیمات اداری، بخش-ها و نواحی شهری باشد	
۱۷- اندونزی	۲۳- زیمباوه	-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به مرزهای اداری محلی، -ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست، -راحتی ارتباطات و حمل و نقل در حوزه‌های انتخابیه(البته معیار آخر در قانون نیامده ولی در عمل مورد نظرقرار می‌گیرد)	
۱۸-	۲۴-	-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه،	
		-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -روابط شهر و روستا، -ویژگی‌های فیزیکی حوزه‌ها، - احترام به مرزهای اداری محلی و مرزهای سنتی مناطق مختلف، -توجه به وسایل ارتباطی و حمل و نقل هر حوزه، -همگونی قومی در نواحی که رقابت بر سر کرسی‌های " همگانی " (کرسی‌هایی که اختصاص به گروه خاصی ندارد) است. -توجه به ویژگی های جغرافیایی حوزه های انتخابیه -تراکم و تحرک جمعیت	

<p>-احترام به مرزهای اداری موجود، - تراکم جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -ویژگی های جغرافیایی حوزه‌های انتخابیه، -ترافیک و سایر شرایط در حوزه‌های انتخابیه</p>	<p>جمهوری کره</p>	<p>-احترام به ویژگی های طبیعی مناطق مختلف کشور -حفظ الگوی سنتی ایجاد حوزه های انتخابیه -رعایت مرزهای اداری و سیاسی -کمسیون باید تا جایی که ممکن است حوزه‌های انتخابیه موجود را حفظ کند و مرزهای آنها را تغییر ندهد</p>	<p>ایرلند</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -تراکم جمعیت حوزه های انتخابیه، -احترام به مرزهای اداری موجود، -توجه به مرزهای انتخاباتی در گذشته -توجه به منافع گروه های محلی -توجه به عوامل جغرافیایی،</p>	<p>-۲۵ مالزی</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به موانع طبیعی موجود، -ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست، -احترام به مرزهای اداری محلی، -ایجاد حوزه‌های انتخابیه جمع و جور، -عوامل جغرافیایی(اندازه حوزه‌های انتخابیه)</p>	<p>۱۹-ایتالیا</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -جمع و جور بودن حوزه‌های انتخابیه(حوزه- های انتخابیه باید دارای شکلی منظم باشند) -احترام به موانع طبیعی موجود، -احترام به مرزهای اداری و سیاسی موجود، - ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست، -در نظر گرفتن نواحی شهرداری ها -ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه بایستی از شمال به جنوب و از شرق به غرب با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی صورت به گیرد - در ترسیم مرزها بایستی جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی را مدنظر داشت. -تعیین مرکز حوزه انتخابیه که قرار است دفاتر مرکزی انتخابات در آنها مستقر شوند بایستی با توجه به زیرساخت‌های جاده‌ای و زمان رفت و آمد بین نواحی مختلف هر حوزه انتخابیه صورت گیرد. - برخورداری از جاده‌های مناسب و امکان ارائه خدمات عمومی به نحوی مطلوب -مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به گونه‌ای ترسیم شود که به تقسیمات قومیتی موجود احترام گذاشته شود</p>	<p>-۲۶ مکزیک</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست، -توجه به راحتی ارتباطات و حمل و نقل در حوزه‌های انتخابیه، -توجه به مرزهای انتخاباتی در گذشته -توجه به منافع گروه های محلی(منافع اعضای قبائل مائوری) -امکانات ارتباطی هر منطقه - رعایت حدود حوزه‌انتخابیه موجود - توجه به ویژگی‌های طبیعی حوزه‌های انتخابیه(مشخصات اوضاع طبیعی مانند کوه‌ها و رودخانه‌ها. جغرافیا همچنان نقش مهمی در فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه ایفا می‌کند.)</p>	<p>-۲۰ نیوزیلند</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به مرزهای اداری محلی و سرزمینی،</p>	<p>-۲۷ کرواسی</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به مرزهای اداری موجود،</p>	<p>-۲۱ لهستان</p>

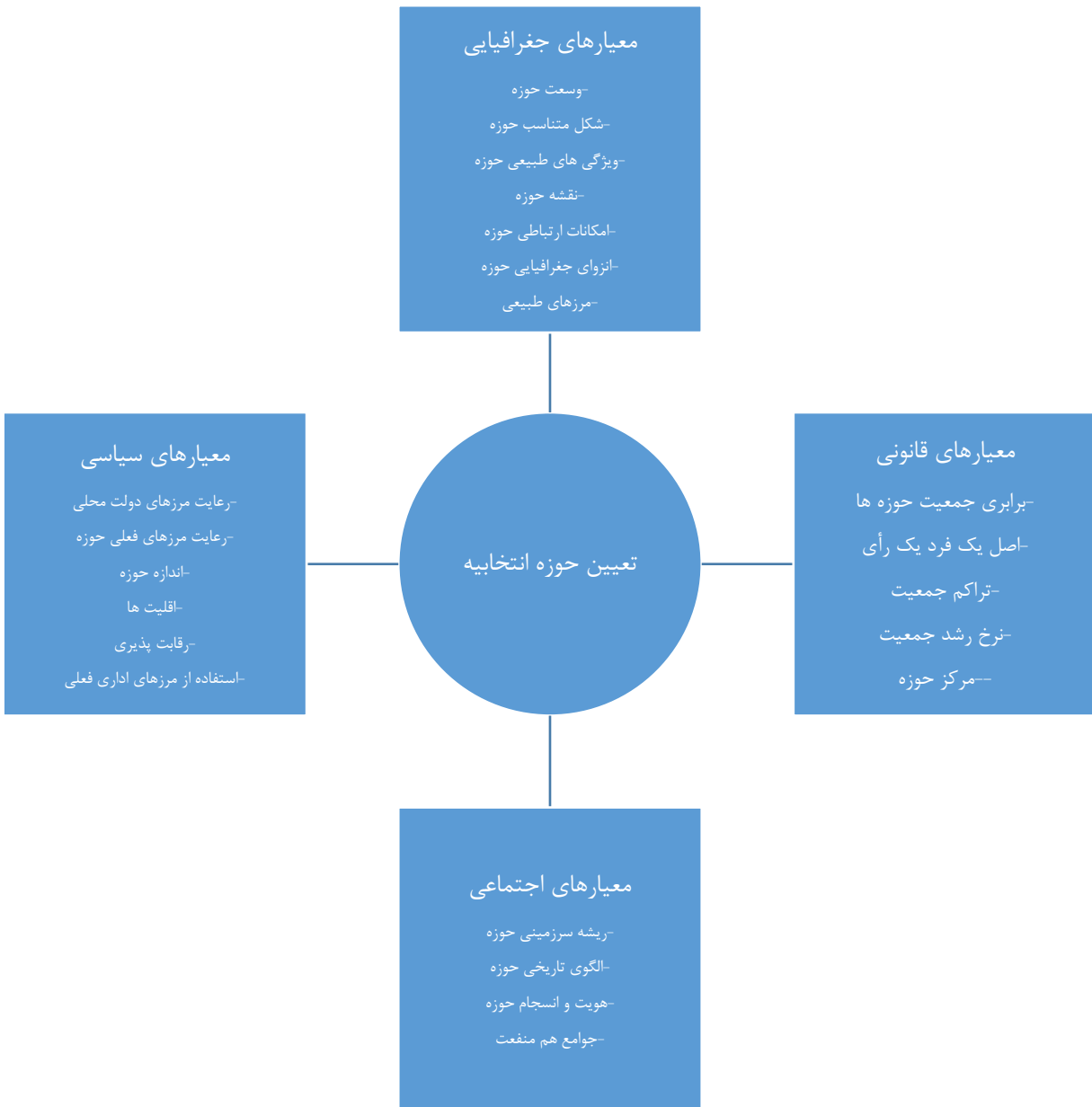
<p>-انابرابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه</p>	<p>۲۸- سنگاپور</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به مرزهای اداری موجود، -ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست(به لحاظ تاریخی و فرهنگی)، -تمرکز بومیان، -توجه به امکانات ارتباطی در حوزه‌های انتخابیه</p>	<p>۲۲- پاناما</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، - احترام به مرزهای اداری محلی موجود، (مرزهای حوزه‌های انتخابیه معمولاً منطبق با مرزهای استان هاست، اما برخی از استان‌ها به چندین حوزه انتخابیه کوچکتر تقسیم می‌شوند).</p>	<p>۲۹- ترکیه</p>		
<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، - احترام به مرزهای اداری موجود، -توجه به منافع گروه های محلی</p>	<p>۳۸- اوکراین</p>	<p>-در قانون معیار مشخصی تعیین نشده است(تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به حوزه‌های انتخابیه بر اساس جمعیت آنها مشخص می‌شود).</p>	<p>۳۰- سوئد</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه ها -تراکم جمعیت حوزه های انتخابیه -احترام به مرزهای اداری موجود، -توجه به مرزهای انتخاباتی موجود -یکدست بودن حوزه های انتخابیه -توجه به ویژگی های فیزیکی و امکانات انتباطی حوزه ها</p>	<p>۳۹-گینه جدید پاپوآ</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه های انتخابیه -جمع و جور بودن حوزه ها به لحاظ جغرافیایی -رعایت مرزهای اداری و سیاسی -امکانات ارتباطی و راحتی و آسایش عمومی -حوزه‌های انتخابیه مختص قبایل به رسمیت شناخته شده و کاست‌های به رسمیت شناخته شده باید در مناطقی ایجاد شوند که این قبایل و کاست‌ها جمعیت بیشتری دارند. - مرزهای هر یک از حوزه‌های انتخابیه مجالس ایالتی باید به نحوی ترسیم شود که هر حوزه فقط در یک حوزه انتخابیه مجلس لوک سابها قرارگیرد - توجه به " ویژگی‌های فیزیکی حوزه</p>	<p>۳۱- هند</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، - احترام به مرزهای اداری و سیاسی موجود، - ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست - داشتن حداقل فاصله بین تمام بخش‌های حوزه انتخابیه (یک دایره، مربع یا شش ضلعی، جمع و جورترین محدوده است). - تمام بخش‌های یک حوزه انتخابیه در یک نقطه با دیگر بخش‌های حوزه انتخابیه مرتبط</p>	<p>۴۰-ایالات متحده آمریکا</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، -احترام به مرزهای اداری و سیاسی موجود، -توجه به اندازه و مسافت جغرافیایی حوزه های انتخابیه، -ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست -رعایت مرزهای حوزه های انتخابیه فعلی</p>	<p>۳۲- بریتانیا</p>

<p>باشند</p> <p>-حفاظت از جوامع هم منفعت</p> <p>-حفظ حوزه‌های انتخابیه اولیه</p>		<p>-مرزهای حوزه‌انتخابیه مرزهای اصلی دولت‌های محلی را نباید نادیده بگیرند((مرزهای دولت محلی (شهرستان، بخش‌های شهرستان، مناطق لندن، و دیگر نهادهای محلی، بخش‌ها و تقسیمات انتخاباتی))</p> <p>- توجه به پیوندهای محلی در زمان ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه</p>	
<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p> <p>-احترام به موانع طبیعی موجود</p> <p>-اندازه حوزه های انتخابیه</p>	<p>۴۱--</p> <p>جامائیکا</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p> <p>-احترام به مرزهای اداری موجود،</p>	<p>۳۳-</p> <p>اوگاندا</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p> <p>-تراکم جمعیت حوزه های انتخابیه</p> <p>-توجه به ویژگی های جغرافیایی</p> <p>-توجه به امکانات ارتباطی در حوزه‌های انتخابیه،</p> <p>-ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست</p>	<p>۴۲-نپال</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه،</p> <p>-تراکم جمعیت حوزه های انتخابیه</p> <p>-روندهای جمعیتی</p> <p>-توجه به ویژگی‌های فیزیکی حوزه- های انتخابیه،</p> <p>-توجه به امکانات ارتباطی در حوزه- های انتخابیه،</p> <p>-ایجاد حوزه‌های انتخابیه یکدست،</p>	<p>۳۴-کنیا</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p> <p>-احترام به موانع طبیعی موجود</p> <p>-احترام به مرزهای اداری موجود،</p> <p>-توجه به ویژگی های جغرافیایی (اندازه حوزه، تراکم جمعیت، زیرساخت)</p> <p>-توجه به ویژگی های اجتماعی</p>	<p>۴۳-نامیبیا</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه،</p> <p>-جمع و جور بودن حوزه‌های انتخابیه،</p> <p>-تراکم جمعیت حوزه‌های انتخابیه،</p> <p>-احترام به مرزهای اداری موجود،</p> <p>-توجه به امکانات ارتباطی در حوزه- های انتخابیه</p>	<p>۳۵-</p> <p>پاکستان</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p>	<p>۴۴-</p> <p>نیجریه</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p>	<p>۳۶-</p> <p>لسوتو</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p> <p>-احترام به مرزهای اداری موجود،</p> <p>-توجه به اندازه جغرافیایی حوزه های انتخابیه</p> <p>-توجه به راحتی ارتباطات در هر حوزه انتخابیه</p>	<p>۴۵-</p> <p>تانزانیا</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه‌ها،</p> <p>-انسجام و یکدستی حوزه‌ها،</p> <p>-احترام به مرزهای اداری محلی</p> <p>-هنگام ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به مرزهای سیاسی احترام گذاشته شود</p>	<p>۳۷-</p> <p>فرانسه</p>
<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p> <p>-احترام به مرزهای اداری موجود،</p> <p>-توجه به ویژگی های جغرافیایی</p>	<p>۵۱-یمن</p>	<p>-برابری جمعیت حوزه ها</p> <p>-تراکم جمعیت</p> <p>-ایجاد حوزه های انتخابیه یکدست</p> <p>-احترام به مرزهای اداری و قبیله ای محلی</p>	<p>۴۶-</p> <p>بوتسوانا</p>

		-توجه به عوامل جغرافیایی -توجه به امکانات حمل و نقل در هر حوزه انتخابیه	
۴۷- باهاماس	برابری جمعیت حوزه ها -تراکم جمعیت (بویژه در مناطقی که جمعیت پراکنده است) -عوامل جغرافیایی (اندازه، ویژگی های- فیزیکی، مرزهای طبیعی و انزوای جغرافیایی حوزه های انتخابیه)	۵۲- باربادوس	-برابری جمعیت حوزه ها -احترام به مرزهای اداری موجود، -ایجاد حوزه های انتخابیه جمع و جور
۴۸- بلیز	برابری جمعیت حوزه ها -توجه به امکانات ارتباطی در حوزه های انتخابیه، -توجه به ویژگی های فیزیکی حوزه ها	۵۳- جمهوری دومینیکن	-برابری جمعیت حوزه ها -احترام به مرزهای اداری موجود، -ایجاد حوزه های انتخابیه یکدست -توجه به ویژگی های جغرافیایی
۴۹- دومینیکا	برابری جمعیت حوزه ها -تراکم جمعیت -احترام به مرزهای اداری -توجه به عوامل جغرافیایی -توجه به امکانات ارتباطی در حوزه های انتخابیه،	۵۴- لیتوانی	-برابری جمعیت حوزه های انتخابیه -احترام به مرزهای اداری موجود -توجه به مرزهای حوزه های انتخابیه در گذشته
۵۰- قریستان	-برابری جمعیت حوزه های انتخابیه -احترام به مرزهای اداری موجود	۵۵- ایسلند	-در قانون معیاری تعیین نشده (تعداد کرسی های اختصاص یافته به حوزه های انتخابیه براساس جمعیت آنها مشخص می شود)

منبع: هندلی، گروفن، ۱۳۹۵: ۵۴۵

بررسی اثرات مولفه های جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، و قانونی و معیارهای مرتبط با آنها که در تعیین و ایجاد حوزه های انتخابیه پارلمانی موثرند، نشان می دهد که کشورها به فرخور شرایط خودشان از تمامی یا بخشی از معیارهای فوق الذکر جهت تعیین حوزه های انتخابیه استفاده می نمایند که این مولفه ها و معیارهای مرتبط به هریک در مدل نظری ذیل آمده اند.



یافته‌های تحقیق

کشورهایی که جهت برگزاری انتخابات پارلمانی خود اقدام به تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه می‌نمایند برای تعیین حوزه‌های انتخابیه از معیارهایی استفاده می‌نمایند که این معیارها معمولاً در قوانین عادی و یا قانون اساسی آن کشورها آمده‌اند هر چند در برخی از کشورها معیار قانونی برای تعیین حوزه‌های انتخابیه وجود ندارد (به عنوان مثال کشورهایی که در آنها معیار تعیین حوزه انتخابیه وجود ندارد می‌توان از رژیم اشغال‌گر قدس و هلند نام برد که به دلیل این که اعضای پارلمان از طریق نظام انتخاباتی تناسبی لیستی انتخاب می‌شوند و در انتخابات پارلمان کل کشور یک حوزه واحد است لذا معیار قانونی تعیین حوزه انتخابیه نیز ندارند).

در جدول ذیل برخی کشورها بر اساس تعداد معیارهایی که برای تعیین حوزه‌های انتخابیه به کار می‌برند آورده شده‌اند.

جدول شماره (۳) برخی کشورها از نظر تعداد معیارهای تعیین شده برای تعیین حوزه‌های پارلمانی

کشور	معیاری تعیین نشده	یک معیار	دو معیار	سه معیار	چهار معیار	پنج معیار	بیش از پنج معیار
	۱- بلژیک،	۱- لسوتو،	۱- بلاروس، ۲-	۱- آلبانی، ۲-	۱- ارمنستان، ۲-	۱- ایرلند،	۱- بوتسوانا، ۲-
	۲- فنلاند،	۲- مقدونیه،	۳- بلغارستان، ۴-	۳- بنگلادش،	۳- کامرون، ۴-	۲- جمهوری	۳- فیجی، ۴-
	۳- ایسلند،	۳- جمهوری	۴- کرواسی، ۵-	۴- باربادوس، ۵-	۴- مجارستان	۳- کره، ۴-	استرالیا، ۴-
	۴- سوئد،	۴- نیجریه،	۵- چک، ۶-	۵- بلیز، ۶-	۴- جمهوری	۵- دومینیکا، ۴-	کانادا، ۵-
		۴- قرقیزستان،	۷- جامائیکا، ۸-	۶- باهاماس، ۷-	۵- دومینیک،	۵- پاناما، ۴-	ژاپن، ۶-
		۶- لهستان،	۸- لیتوانی، ۹-	۷- جامائیکا، ۸-	۵- دومینیک،	۶- نپال، ۴-	ایتالیا، ۷-
		۷- ترکیه،	۹- اوکراین، ۱۰-	۸- لیتوانی، ۹-	۵- اندونزی،	۷- نامیبیا،	نیوزیلند، ۸-
		۸- اوکاندا،	۱۰- یمن، ۱۱-	۹- اوکراین، ۱۰-	۶- فرانسه،	۸- پاپوآ،	گینه جدید
			آلمان	۱۰- یمن، ۱۱-	۷- تانزانیا،	۸- دومینیکال،	پاپوآ، ۹-
				آلمان	۷- تانزانیا،	دومینیکال،	آمریکا، ۱۰-
							زیمباوه،
							۱۱-
							مالزی، ۱۲-
							مکزیک، ۱۳-
							هند، ۱۴-
							بریتانیا، ۱۵-
							کنیا

طبق جدول بالا اکثریت کشورهای مورد بررسی معیارهایی را برای تعیین حوزه‌های انتخابیه مشخص نموده‌اند و تعداد معیارهای تعیین شده از یک معیار تا بیش از ۵ معیار در کشورها متفاوت می‌باشد. ۱۵ کشور بیش از ۵ معیار، ۸ کشور ۵ معیار، ۷ کشور ۴ معیار، ۱۰ کشور ۳ معیار، ۸ کشور ۲ معیار و ۴ کشور ۱ معیار برای تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه خود مشخص کرده‌اند و فقط ۴ کشور بلژیک، فنلاند، ایسلند و سوئد هستند که معیاری برای تعیین حوزه‌های انتخابیه ندارند که علت آن نیز نوع نظام انتخاباتی پارلمانی این کشورها است.

اولین مولفه در تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه مولفه‌های قانونی هستند که کشورها برای تعیین حوزه‌های انتخابیه خود از آنها استفاده می‌نمایند. در جدول زیر مهم‌ترین معیارهای قانونی مورد استفاده کشورها جهت تعیین حوزه‌های انتخابیه آمده‌اند.

جدول شماره (۴) معیارهای قانونی تعیین حوزه‌های انتخابیه پارلمانی

مرکز حوزه	نرخ رشد جمعیت حوزه‌ها	تراکم جمعیت حوزه‌ها	برابری جمعیت حوزه‌ها	کشور
مکزیک	کانادا	۱- فیجی، ۲- جمهوری کره، ۳- مالزی، ۴- گینه پاپوآ جدید، ۵- کنیا، ۶- میال، ۷- پاکستان، ۸- بوتسوانا، ۹- باهاماس، ۱۰- دومینیکا	۱- آلبانی، ۲- بنگلادش، ۳- باریادوس، ۴- بوتسوانا، ۵- کامرون، ۶- کانادا، ۷- کرواسی، ۸- دومینیکا، ۹- جمهوری دومینیک، ۱۰- فیجی، ۱۱- فرانسه، ۱۲- آلمان، ۱۳- مجارستان، ۱۴- هند، ۱۵- اندونزی، ۱۶- ایتالیا، ۱۷- ژاپن، ۱۸- کنیا، ۱۹- جمهوری کره، ۲۰- قرقیزستان، ۲۱- لیتوانی، ۲۲- مالزی، ۲۳- مکزیک، ۲۴- نامیبیا، ۲۵- پاکستان، ۲۶- پاناما، ۲۷- گینه جدید پاپوآ، ۲۸- لهستان، ۲۹- تانزانیا، ۳۰- ترکیه، ۳۱- اوگاندا، ۳۲- اوکراین، ۳۳- بریتانیا، ۳۴- آمریکا، ۳۵- یمن، ۳۶- ارمنستان، ۳۷- بلاروس، ۳۸- استرالیا، ۳۹- جمهوری چک، ۴۰- بلغارستان، ۴۱- مقدونیه، ۴۲- زیمباوه، ۴۳- ایرلند، ۴۴- نیوزیلند، ۴۵- بلغارستان، ۴۶- سنگاپور، ۴۷- جامائیکا، ۴۸- لسوتو، ۴۹- نپال، ۵۰- نیجریه، ۵۱- باهاماس، ۵۲- بلیز	کشور

بر اساس جدول بالا مشخص می‌شود که معیار برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه متداول‌ترین معیار در بین معیارهای قانونی و معیارهای دیگر مولفه‌های تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه مورد استفاده در کشورهای مورد بررسی جهت تعیین حوزه‌های انتخابیه می‌باشد و پس از آن تراکم جمعیت دومین معیار پر کاربرد در تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه است و دو معیار مرکزیت حوزه‌ها و نرخ رشد جمعیت حوزه‌ها در بین کشورها کاربرد نداشته‌اند. نوع معیار جمعیت نیز که در کشورها به کار می‌رود به سه شکل زیر است:

- جمعیت کل حوزه انتخابیه

- افراد ثبت نام شده برای شرکت در انتخابات حوزه انتخابیه

- شهروندان حوزه انتخابیه

جدول شماره (۵) نوع معیار جمعیت تعیین شده برای تعیین حوزه‌ها در برخی کشورها

تعداد افرادی که برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرده‌اند.	شهروندان ساکن حوزه انتخابیه	کل ساکنان حوزه انتخابیه
زیمباوه، بریتانیا، اوکراین، سنگاپور، نامیبیا، مالزی، مقدونیه، قرقیزستان، جامائیکا، ایسلند، فیجی، کرواسی، بنگلادش، باهاماس، استرالیا، ارمنستان، آلبانی	بلژیک، آلمان، مجارستان، سوئد، ترکیه،	یمن، ایالات متحده آمریکا، اوگاندا، لهستان، گینه جدید پاپوآ، پاناما، پاکستان، نیجریه، نیوزیلند، نپال، مکزیک، لیتوانی، جمهوری کره، کنیا، ژاپن، ایتالیا، ایرلند، اندونزی، هند، فرانسه، فنلاند، جمهوری دومینیک، جمهوری چک، کانادا، کامرون، بلغارستان، بوتسوانا،

که از این بین معیار جمعیت کل حوزه انتخابیه در بیشتر کشورهای مورد بررسی کاربرد داشته و بعد از آن معیار تعداد افراد ثبت نام کرده برای شرکت در انتخابات و معیار شهروندان ساکن حوزه انتخابیه قرار دارند.

جدول شماره (۶) حدنصاب تعیین شده برای تخطی از معیار جمعیت برابر در برخی کشورها

جمعیت حوزه‌ها باید کاملاً برابر باشند	حد نصاب مشخصی تعیین نشده	کمتر یا بیشتر از ۳۰ درصد	کمتر یا بیشتر از ۲۰ درصد	کمتر یا بیشتر از ۱۰ درصد	کمتر یا بیشتر از ۵ درصد
ایالات متحده آمریکا،	بریتانیا، ترکیه، سوئد، لهستان، پاناما، پاکستان، مالزی، لیتوانی، قرقیزستان، جمهوری کره، ژاپن، اندونزی، هند، ایسلند، مجارستان، فرانسه، فنلاند، فیجی، کرواسی، کامرون، بلغارستان، بلژیک، بنگلادش، باهاماس، باربادوس، بلیز، بوتسوانا، فنلاند، ایرلند، جامائیکا، کنیا، لسوتو، لیتوانی، نپال، نامیبیا، نیجریه، فلسطین،	سنگاپور، کانادا	زیمباوه، آلمان، جمهوری چک، ارمنستان، مکزیک، گینه، جدید پاپوا،	ایتالیا، استرالیا، بلاروس، اوکراین، لیتوانی،	نیوزیلند، مقدونیه، آلبانی، یمن

کشور

طبق جدول بالا برای تخطی از معیار جمعیت برابر حوزه‌ها اکثر کشورها حد خاصی را مشخص نکرده‌اند ولی رقم مثبت و منفی ۵ درصد در ۴ کشور، مثبت و منفی ۱۰ درصد در ۵ کشور، مثبت و منفی ۲۰ درصد در ۷ کشور به عنوان رقم مجاز برای تخطی از اصل برابری جمعیت در نظر گرفته شده و از میان کشورهای تعیین شده آمریکا سختگیرانه‌ترین میزان و کشورهای سنگاپور و کانادا کمترین سختگیری را دارند. در مجموع کشورها در تعیین میزان معیار برای تخطی از برابری جمعیت به دو گروه تقسیم می‌شوند گروه اول و اصلی که شامل بیشتر کشورها می‌شود معیار مشخصی برای تخطی از برابری جمعیت تعیین نکرده‌اند و گروه دوم که حدود یک چهارم کشورها می‌باشند از مقدار مثبت و منفی ۵ درصد تا مثبت و منفی ۳۰ درصد برای تخطی از معیار جمعیت برابر تعیین نموده‌اند. رعایت این معیار برای اجرایی شدن اصل ((هر فرد یک رأی و ارزش همه رأی‌ها با هم برابر)) ضرورت دارد.

دومین مولفه مورد توجه بعد از مولفه‌های قانونی در بین کشورها جهت تعیین و اصلاح حوزه‌های انتخابیه مولفه‌های جغرافیایی می‌باشند. این مولفه‌ها در کشورهای پهناور همچنان نقش مهمی در تعیین حوزه‌های انتخابیه دارند. در بین مولفه‌های جغرافیایی مهمترین آنها معیارهای:

- جمع و جور بودن حوزه‌ها (منظور از جمع‌جور بودن شکل متناسب و نزدیک به هندسی حوزه‌های انتخابیه است)

-راحتی ارتباط بین حوزه‌ها (امروزه از اهمیت این معیار به دلیل توسعه امکانات حمل و نقل و تکنولوژی ارتباطات کاسته شده است)

-ویژگی‌های منطقه‌ای حوزه‌ها (منظور وجود عوامل طبیعی مانند سواحل، رودخانه‌ها و کوهستان‌ها است که در تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه در برخی کشورها اثرات خاص دارند به عنوان مثال در کشوری مثل نیوزیلند به دلیل جزیره ای بودن آن حوزه‌های انتخابیه ساحلی زیاد است، در کشور کانادا به جهت وسعت و شرایط اقلیمی خاص، سرزمین‌های سرد شمالی به سه حوزه انتخابیه مستقل تقسیم شده‌اند، در اسکاتلند جزایر و مناطق دورافتاده حوزه‌های انتخابیه مستقل در نظر گرفته می‌شوند)

-وسعت حوزه‌ها (در مورد وسعت حوزه انتخابیه دو مفهوم مطرح است: ۱- منظور از وسعت حوزه تعداد نماینده‌ای است که به حوزه اختصاص می‌یابد (اندازه حوزه) ۲- گستردگی حوزه انتخابیه از نظر گستره سرزمینی که در این مقاله، مورد نظر گسترش سرزمینی حوزه انتخابیه است)

-یکدستی حوزه‌های انتخابیه (حوزه‌های انتخابیه باید تا حد ممکن واحدهایی یک دست، منسجم و متشکل از نظر ارتباط بخش مختلف آن با یکدیگر باشد).
در جدول زیر این معیارها آمده‌اند.

جدول شماره (۷) معیارهای جغرافیایی تعیین حوزه‌های انتخابیه پارلمانی

حوزه‌های انتخابیه یکدست	وسعت حوزه‌ها	ویژگی‌های منطقه‌ای حوزه‌ها	راحتی ارتباط بین حوزه‌ها	حوزه‌های انتخابیه جمع و جور	کشور
استرالیا، ۲-	۱-جمهوری	۱-کامرون، ۲-	۱-ارمنستان، ۲-	۱-آلبانی، ۲-	کشور
کانادا، ۳-	چک، ۲-	استرالیا، ۳-فیجی، ۴-	استرالیا، ۳-	ارمنستان، ۳-	
ژاپن، ۴-	جمهوری	ژاپن، ۵-زیمباوه، ۶-	کامرون، ۴-	بنگلادش، ۴-	
آلمان، ۵-	دومینیکن، ۳-	ایرلند، ۷-جمهوری	اندونزی، ۵-	باربادوس	
مجارستان، ۶-	ایتالیا، ۴-	کره، ۸-ایتالیا، ۹-	نیوزیلند، ۶-	۵-بلاروس، ۶-	
اندونزی، ۷-	جامایکا، ۵-	مالزی، ۱۰-نیوزیلند،	بوتسوانا، ۷-	هند، ۷-	
زیمباوه، ۸-	بریتانیا، ۶-	۱۱-گینه جدید پاپوآ،	دومینیکا، ۸-	ایتالیا، ۸-	
ایتالیا، ۹-	تانزانیا، ۷-	۱۲-هند، ۱۳-یمن،	فیجی، ۹-هند،	مکزیک، ۹-	
نیوزیلند، ۱۰-	باهاماس، ۸-	۱۴-نپال، ۱۶-	۱۰-کنیا، ۱۱-	پاکستان، ۱۰-	
مکزیک، ۱۱-	نامیبیا	کنیا، ۱۷-باهاماس، ۱۸-	جمهوری کره،	آمریکا، ۱۱-	
پاناما، ۱۲-گینه		جمهوری	۱۲-نپال، ۱۳-	ژاپن، ۱۲-	
جدید پاپوآ، ۱۳-		دومینیکن، ۱۹-	نیوزیلند، ۱۴-	استرالیا	
بریتانیا، ۱۴-		بلیز، ۲۰-دومینیکا، ۲۱-	پاکستان، ۱۵-		
آمریکا، ۱۵-		نامیبیا، ۲۲-بوتسوانا	پاناما، ۱۶-گینه		
کنیا، ۱۶-			جدید پاپوآ، ۷۸-		
نپال، ۱۷-			بلیز، ۱۸-		
فرانسه، ۱۸-			تانزانیا، ۱۹-		
بوتسوانا، ۱۹-			زیمباوه، ۲۰-		
جمهوری			کانادا، ۲۱-		
دومینیکن			زیمباوه، ۲۲-		
			مکزیک		

بر اساس جدول بالا همه کشورهای مورد بررسی برای تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه خود از مولفه‌های جغرافیای استفاده کرده‌اند. در بین مولفه‌های جغرافیایی سه معیار راحتی ارتباط بین حوزه‌ها، حوزه‌های انتخابیه یکدست و ویژگی‌های منطقه‌ای حوزه‌ها بیشتر از دو معیار وسعت حوزه‌ها و شکل جمع و جور حوزه‌ها مورد استفاده کشورها بوده‌اند.

مولفه‌های سیاسی سومین مورد به کارگرفته شده توسط کشورها در تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه می‌باشد که مهم‌ترین معیارهای آن:

- رعایت مرزهای دولت محلی (مرزهای شهرداری‌ها)

- رعایت مرزهای فعلی حوزه‌های انتخابیه (بدین معنی که تا حد امکان حوزه انتخابیه فعلی حفظ گردد و مانع از تقسیم آن شد مگر به ناچار و در جهت رعایت اصل برابری جمعیت حوزه‌ها)

- رعایت مرزهای اداری (منظور مرزهای سیاسی مانند ایالت‌ها و استان‌ها می‌باشد در تعیین حوزه‌های انتخابیه مرزهایی که توسط اداراتی مانند اداره بهداشت، بیمه و یا آموزش و پرورش استفاده می‌شوند تا حد امکان رعایت گردد) کاربرد این معیارها توسط برخی کشورها در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره (۸) معیارهای سیاسی تعیین حوزه‌های انتخابیه

رعایت مرزهای اداری	رعایت مرزهای حوزه فعلی	رعایت مرزهای دولت محلی	کشور
۱-آلبانی، ۲-بنگلادش، ۳- باربادوس، ۴-بوتسوانا، ۵-کامرون، ۶-کانادا، ۷-کرواسی، ۸-دومینیکا، ۹-جمهوری دومینیکن، ۱۰- فیجی، ۱۱-فرانسه، ۱۲-آلمان، ۱۳-مجارستان، ۱۴، هند، ۱۵- اندونزی، ۱۶-ایتالیا، ۱۷-ژاپن، ۱۸-کنیا، ۱۹-جمهوری کره، ۲۰- قرقیزستان، ۲۱-لیتوانی، ۲۲- مالزی، ۲۳-مکزیک، ۲۴-نامیبیا، ۲۵-پاکستان، ۲۶-پاناما، ۲۷-گینه جدید پاپوآ، ۲۸-لهستان، ۲۹- تانزانیا، ۳۰-ترکیه، ۳۱-اوگاندا، ۳۲-اوکراین، ۳۳-بریتانیا، ۳۴- آمریکا، ۳۵-یمن، ۳۶-بلغارستان	۱-استرالیا، ۲-لیتوانی، ۳-مالزی، ۴- نیوزیلند، ۵-گینه جدید پاپوآ، ۶- زیمبابوه، ۷-ایرلند، ۸-آمریکا	۱-استرالیا، ۲-کانادا، ۳-ژاپن، ۴- فیجی، ۵-آلمان، ۶-ایرلند، ۷- مکزیک، ۸-کرواسی، ۹-ترکیه، ۱۰- هند، ۱۱-بریتانیا، ۱۲-آمریکا، ۱۳- فرانسه	

براساس جدول پیشین معیار رعایت مرزهای اداری توسط کشورها در تعیین و ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه بیشترین کاربرد را داشته و بعد از معیار برابری جمعیت دومین معیار مورد استفاده کشورها می‌باشد. یکی از دلایل اهمیت معیار مرزهای اداری تأکیدی است که رأی‌دهندگان و سیاستمداران بر آنها دارند. معیار رعایت مرزهای دولت محلی توسط ۱۳ کشور و معیار رعایت مرزهای حوزه‌های انتخابیه فعلی توسط ۸ کشور به کارگرفته شده است.

مؤلفه‌های اجتماعی چهارمین گروه از معیارهای مورد استفاده کشورها در تعیین حوزه‌های انتخابیه هستند که مهم‌ترین آنها در جدول زیر آمده‌اند.

–جوامع هم منفعت((جامعه هم منفعت)) به ندرت در قوانین تعریف شده اما به طورکلی به عنوان یک گروه از افراد متحده شده بوسیلهٔ منافع یا ارزش‌های مشترک در نظر گرفته می‌شود. این منافع مشترک ممکن است نتیجه یک تاریخ یا فرهنگ عمومی، یا یک پیش زمینه عمومی قومی یا قبیله‌ای، و یا انواع دیگر روابط باشد که یک اجتماع از رأی‌دهندگان با منافع مشخص را بوجود می‌آورد.

–الگوی تاریخی حوزه(در مورد تفاوت معیار رعایت الگوی تاریخی حوزه با معیار رعایت مرزهای فعلی حوزه انتخابیه لازم به توضیح است که تأکید بر معیار رعایت مرزهای فعلی حوزه‌های انتخابیه به دلیل جلوگیری از تفکیک حوزه انتخابیه و نقض معیار اصلی برابری جمعیت حوزه‌ها و نیز رعایت معیار مرزهای حکومت محلی می‌باشد اما تأکید بر رعایت الگوی تاریخی حوزه می‌تواند نتیجه منفی داشته و موجب نقض معیار برابری جمعیت گردد به عنوان مثال حوزه انتخابیه اردستان در استان اصفهان در طول ۵۰ سال گذشته فاقد حد نصاب جمعیت برای داشتن کرسی نمایندگی بوده ولی رعایت الگوی تاریخی حوزه و داشتن حق مکتسبه نمایندگی آن را به عنوان یک حوزه انتخابیه مستقل در نظر می‌گیرد که در کشور ایران نمونه‌های زیادی از آن وجود دارد).

–هویت و انسجام حوزه‌ها(حوزه‌های انتخابیه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و منطقه‌ای یکدست باشند)

جدول شماره(۹)معیارهای اجتماعی تعیین حوزه‌های انتخابیه

هویت و انسجام حوزه‌ها	الگوی تاریخی حوزه	جوامع هم منفعت	کشور
۱-فرانسه، ۲- پاناما، ۳-استرالیا، ۴- ژاپن	۱-آمریکا، ۲- نیوزیلند، ۳- مالزی، ۴-ایرلند، ۵- زیمباوه	۱-بریتانیا، ۲- آمریکا، ۳-هند، ۴- اوکراین، ۵-پاناما، ۶- مکزیک، ۷- نیوزیلند، ۸- مالزی، ۹- مجارستان، ۱۰- فیجی	

در بین مؤلفه‌های اجتماعی رعایت منافع گروه‌های محلی معیار پر کاربرد در بین کشورها در تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه است. معیار الگوی تاریخی حوزه‌ها توسط ۵ کشور، هویت و انسجام حوزه‌ها توسط ۴ کشور مورد استفاده بوده

است. گرچه در قوانین بیشتر کشورهای مورد بررسی بطور مشخص منظور از رعایت منافع گروه‌های محلی تشریح نشده است و به کارگیری این معیار در مراکز شهری امروزی بسیار دشوار است و در واقع تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه با جمعیت برابر و در عین حال توجه به منافع اجتماعات محلی که هویت آنها دقیقاً مشخص نشده تقریباً فقط در روی کاغذ ممکن است.

در مورد معیار رعایت حقوق گروه‌های اقلیت، این مورد بیشتر در کشورهایی که انتخابات مجلس آنها بر پایه حوزه‌های انتخابیه تک نماینده ای است ضرورت دارد چون اصل نمایندگی حداقلی گروه‌های اقلیت نیز به هیچ وجه محقق نمی‌شود و کشورهایی مانند سنگاپور، فلسطین، هند، پاکستان و کرواسی برای رفع این مشکل اقدام به تعیین حوزه انتخابیه برای گروه‌های اقلیت نموده‌اند روش دیگر برای نمایندگی اقلیت ها ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به گونه‌ای است که گروه اقلیت در داخل یک حوزه انتخابیه قرار گیرند، تکلیف احزاب سیاسی در قانون به قرار دادن کاندیداها از اقوام مختلف در لیست خود و دادن امتیازاتی به احزاب گروه‌های اقلیت از دیگر روش‌های رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌باشد. در برخی از کشورها نیز بنا به دلایل تاریخی و یا بنا به ملاحظات سیاسی و به منظور تشویق مشارکت مردم مناطق دور افتاده کشور در مسائل کلان کشور اقدام به تعیین حوزه‌های انتخابیه بر خلاف معیار برابری جمعیت برای آن مناطق می‌نمایند و در نهایت در برخی از کشورها مانند لهستان و دانمارک در قوانین امتیازاتی را برای گروه‌های اقلیت در نظر می‌گیرند.

جدول شماره (۱۰) سازو کارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه به نفع اقلیت‌ها

اعطای کرسی‌های اضافه به برخی از مناطق کشور	ترسیم مرزهای برخی از حوزه‌های انتخابیه به نفع اقلیت‌ها	تقسیم کرسی‌ها در زمان استعمار یا در زمان حکومت اقلیت بر اکثریت	تقسیم کرسی‌ها بر مبنای یک توافقنامه تقسیم قدرت	تمهیدات ویژه برای اقلیت‌ها بر اساس نظام انتخاباتی	کرسی‌های رزر شده برای اقلیت‌ها	
انگلستان، دانمارک، تانزانیا، فنلاند	آمریکا، اوکراین	هند، آفریقای جنوبی	بوسنی، قبرس، رواندا، فیجی، سریلانکا، یمباوه، کوزوو، مقدونیه	لبنان، سنگاپور، آلمان، لهستان، دانمارک	هند، اردن، یجر، پاکس، تان، کرواسی، فلسطین، بوتان، نیوزیلند، ساموآ، رومانی، تایوان، نوزولان، سلوونی، ایران، کلمبیا، بلژیک، اتیوپی	کشور

نتیجه گیری:

تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه با هدف برگزاری هرچه بهتر انتخابات، ایجاد حق رأی برابر، نمایندگی منصفانه و موثر و از بین بردن تبعیض‌های انتخاباتی انجام می‌گیرد. کشورها بنا به شرایط تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نحوه استقرار گروه‌های قومی، نژادی و مذهبی ممکن است معیارهای متفاوتی را در این خصوص به کار بگیرند.

با توجه به بخش یافته‌های تحقیق مشخص می‌گردد که کشورها با توجه به مولفه‌های سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و قانونی، معیارهایی را جهت تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه به کار می‌گیرند که این مولفه‌ها و معیارهای مربوط به آنها در مدل نظری تحقیق آمده است. در میان مولفه‌های چهارگانه، مولفه‌های جغرافیایی بیشترین کاربرد را از طرف کشورهای مورد بررسی داشته‌اند و سه معیار حوزه‌های انتخابیه یکدست، ویژگی‌های منطقه‌ای حوزه‌ها و راحتی ارتباط بین حوزه‌ها در مولفه جغرافیایی بیشتر مورد توجه کشورها در تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه بوده‌اند.

در مولفه اجتماعی، معیار جوامع هم منفعت در اکثر کشورهای مورد بررسی به کار گرفته شده و دیگر معیارها در برخی از کشورها به کار گرفته شده‌اند. در مولفه سیاسی، معیار رعایت مرزهای اداری بیشترین استفاده را در بین کشورها داشته و دو معیار رعایت مرزهای فعلی حوزه‌ها و رعایت مرزهای دولت محلی بعد از آن بیشترین کاربرد را داشته‌اند. در مولفه قانونی، معیار برابری جمعیت حوزه‌ها بیشترین کاربرد را در بین کشورها داشته و بعد از آن معیار تراکم جمعیت حوزه‌ها قرار دارد و معیارهای دیگر کمتر به کار گرفته شده‌اند.

از نظر فراوانی کاربرد معیارها توسط کشورهای مورد بررسی در تعیین و ترسیم حوزه‌های انتخابیه به ترتیب ۱- معیار برابری جمعیت حوزه‌ها، ۲- رعایت مرزهای اداری، ۳- راحتی ارتباط بین حوزه‌ها، ۴- ویژگی منطقه‌ای حوزه‌ها، ۵- حوزه‌های انتخابیه یکدست و ۶- رعایت مرزهای دولت محلی بیشترین کاربرد را دارند. وزنی که به هر یک از این مولفه‌ها و معیارهای مرتبط با آنها در کشورهای مختلف داده می‌شود بسته به اهمیتی است که در هر کشوری به یکی از این مولفه‌ها و معیارهای مرتبط با آن برای تعیین و ترسیم حوزه‌ها در کشورها داده می‌شود.

معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه ممکن است در تضاد و تناقض با یکدیگر باشند. برای مثال، اگرچه تقریباً همه کشورهای مورد بررسی جمعیت برابر را به عنوان یک معیار برای تعیین حوزه‌های انتخابیه قرار داده‌اند، در کشورهای کمی در عمل حوزه‌های انتخابیه نزدیک به جمعیت برابر هستند. دلیل این است که دیگر معیارها از پابندی به برابری جمعیت مهم‌تر تلقی شده‌اند. برای مثال، احترام به مرزهای اداری و جوامع هم منفعت، اغلب اقتضا می‌کند حوزه‌های انتخابیه کوچکتر یا بزرگتر از نسبت انتخاباتی باشند. کشورهایی که معیارهای تعیین حوزه‌های انتخابیه ایجاد می‌کنند یا باید معیارها را اولویت‌بندی و یا تناقضات معین را در تنظیمات حوزه‌بندی بپذیرند.

کتابنامه

ایمان، محمدتقی، (۱۳۷۷). رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی مردم در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، مشهد: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۶۸). مبانی سیاست، جلد اول، تهران: انتشارات توس

بلاکسل، مارک (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی، ترجمه محمدرضا حافظنیا و همکاران، تهران. میرباقری

پوپسکو، مارینا و گابور توکا (۱۳۹۵) ترسیم و اصلاح مرز حوزه‌های انتخابیه در اروپای شرقی، مجموعه مقالات: فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، گردآورندگان لیزا هندلی و برنارد گروفمن، ترجمه ابوذر رفیعی، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

تیلور، پیتر. جانستون، رونالد (۱۳۸۶). جغرافیای انتخابات ترجمه پیشگاهی فرد، زهرا. اکبری، رسول. تهران: انتشارات قومس

حافظنیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.

حافظنیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۹۳)، فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

حمزه، فرهاد و زهرا پیشگاهی فرد، (۱۳۸۶)، پهنه بندی میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا هفتم با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال پنجم، شماره ۱۹

دارابی، علی (۱۳۸۸)، بنیان‌های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره اول، تهران، ص ۳۷-۹

صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۱)، رویکردهای تعیین حوزه‌های انتخاباتی، تهران: دفتر مطالعات، تحقیقات و آموزش وزارت کشور.

صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۵)، ساختار و قواعد تحدید حدود حوزه‌های انتخاباتی، فصلنامه سیاست داخلی، سال اول، شماره دوم

کاویانی راد، مراد، (۱۳۸۳). جغرافیای انتخابات، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره سوم، پائیز ۱۳۸۳، شماره مسلسل ۳۷

کاویانی راد، مراد، قره‌بیگی، مراد، (۱۳۹۶)، جغرافیای انتخابات، بنیادها، مفاهیم و رویکردها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

کاویانی راد، مراد. ویسی، هادی (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر همسایگی بر انتخابات ایران (مطالعه موردی دور نخست نهمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، تهران، ص ۱-۲۰

کاویانی راد، مراد. عزیزی کاوه، علی. (۱۳۹۲) مجموعه مقالات همایش ملی جغرافیای انتخابات، اردیبهشت ۱۳۹۲، تبیین نسبت جغرافیا با انتخابات (جغرافیای انتخابات)،

قاضی. ابوالفضل (۱۳۷۲)، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، انتشارات دانشگاه تهران

مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی؛ تهران: انتشارات سمت.

هندلی، لیزا، گروفمن، برنارد، (۱۳۹۵). فرآیند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (مطالعه تطبیقی)، ترجمه ابوذر رفیعی فهساره، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

Horn,M. (2005) GIS and the geography of politics. Geographical Information Systems: Principles, Techniques, Management and Application . Publisher: Wiley: 2nd Edition,Abridged edition.

M, Horn. (1999), GIS and the geography of politics from geographical Information Systems: principles, Techniques, Management and Applications; Pb: WILLY.

www.aceproject.rg,2013:38